

## حادثه ۲۹ می یا زنگ خطر

حادثه خونبار ۲۹ می در کابل که منتج به شهادت تعدادی از هموطنان بیگناه و مظلوم که توام با چور و چپاول دارائی های مردم، حریق نمودن تعمیرات، هتل ها، دستگاه های تلویزیون ها و دفاتر خارجیان مقیم در کابل بود، زنگ خطر برای اداره ریاست جمهوری اضلاع متحده امریکا، دولت جمهوری افغانستان و مایه تائر عمیق نیرو های با شعور، با درد و وطن دوست کشور عزیز ما است.

من شخصاً هیچ باور و تصور نمی توانم که به راه انداختن مظاهرات خیابانی که لحظات بعد از وقوع حادثه ترافیکی صورت گرفت و تعدادی کثیری با بازو بند های سرخ و سبز حامل عکسهای شخصیت های شناخته شده که جنایات شان به خط سیاهی درشت ثبت تاریخ است و با دستانی پر از خون ملت به قهقرا رفته اند یک واقعه تصادفی و یا خود جوش بدون سازماندهی قبلی بوده باشد.

چنین معلوم میشود که در پشت پرده عده ای از شکست خوردگان قدرت طلب بوده اند که بعد از ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ میلادی الی ختم دوره سپاه و تاریک طالبی بقای خود را در نوکری اغیار و ریختن خون فرزندان صدیق وطن میدیدند. با سقوط دوره طالبان و اشغال وطن عزیز ما که با ساخت و بافت با عده ای جنایتکاران حرفوی شناخته شده صورت گرفت با استفاده از نام دیموکراسی قلابی نقاب های وطندوستی را به رخ کشیده، با فعالیت های زیرزمینی و تشکیل سازمان های منظم و شبکه های ارتباطی تحت رهبری های مختلف در داخل و خارج کشور منتظر فرصت بوده اند. یعنی سازمان های شان مجهز با تمام بازوبند ها، پوستر ها، عکسها، شعارها، تیلفون های بی سیم و حتی سلاح های خفیه با پلان منظم طرح شده، درکمین بوده اند تا در صورت وقوع واقعه ای سازمان های زیرزمینی شان برق آسا طبق پلان و دستورات قبلی با گرفتن هدایت از هیأت رهبری به سطح زمین ظاهر و دست به اقدام شوند.

اعضای این گروه ها و سازمان ها در دستگاه های مختلف دولتی چون قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه نفوذ نموده و با چهره های معصوم و حق به جانب و وطندوستانه با استفاده از زور و زر و یا آزادی های دیموکراسی قلابی در جامعه ای که بیش از نود فیصد مردم آن هنوز محروم از سواد و بیخبر از شناخت واقعی جامعه افغانی و دیموکراسی اند فعالیت می نمایند و وظیفه شان افشاگری ها از طریق تربیبون های ولسی جرگه، جراید، رادیو ها و تلویزیونهای غیردولتی، روحیه ضد ملی و وحدت، بی امنیتی، رشوه ستانی و خودسری ها را تقویه و ملت را به طرف یأس و ناامیدی از اجراءات و بی تفاوتی های دولت در انجام مسایل اساسی و حیاتی کشور سوق داده، با مساعد نمودن زمینه برای معامله گریها با قدرت های خارجی مخصوصاً اتازونی و دادن قناعت شان به انتقال قدرت از حاکمیت و زعامت موجوده به یکی یا دو از سازمانهای مخفی خود بار دیگر آینده و سرنوشت ملت ستمدیده و مظلوم افغانستان را در دست گرفته و با گشودن صفحه جدیدی برای فریب فرزندان وطن که توانائی نظامی و اقتصادی خود را به کلی از دست داده اند، صفحات سیاه جنایات گذشته شان را از تاریخ پاک نمایند و بتوانند برای مدت چندی بار دیگر با سرنوشت ملت بازی و با نوشیدن خون شان خود را چاق تر سازند.

هموطنان عزیز القدر و با درد، ما باید حادثه ۲۹ می را به حیث زنگ خطر نه تنها برای اداره جمهوری امریکا و دولت آقای حامد کرزی، بلکه برای آینده افغانستان نیز بدانیم. لهذا وظیفه ما است که از خواب غفلت برخاسته، با اعمار چند بلند منزل، منازل زیبا و مجلل شخصی، تاسیس چند دستگاه تلویزیون، رادیو و نشر جراید غیردولتی و فریبکاری دشمنان آزموده غافل نباشیم و بدون تعقل به طبل دیموکراسی قلابی که از بیرون مرز های کشور عزیز ما نواخته میشود، نباید برقصیم و نباید به این عقیده باشیم که امریکا نجات بخش ملت افغانستان از فقر، بیچاره گی، خونریزی، برادرکشی و اعمال غیراسلامی و بشری دهشت افگانان خارجی است.

نخیر، وظیفه ایمانی، وجدانی، اخلاقی، تاریخی و ملی ما است که به رویت واقعبیت های تاریخی و امروزی در افغانستان و منطقه، به رهبری امریکا بفهمانیم که در افغانستان سیاست غلط را تعقیب مینمایند و باید از حادثه ۲۹ می پند بیاموزند و برای آبرومندی خود و نجات ملت افغان از فقر و بیچارگی و سوق آن به طرف آزادی، حاکمیت ملی، دیموکراسی واقعی، خوشبختی و شگوفائی در پرتو علم و معرفت و ایجاد وحدت ملی و کشور نیرومند در منطقه به سیاست دو رویه خود خاتمه داده صادقانه و صمیمانه عمل نمایند، به این معنی که:

۱ - به دولت جمهوری افغانستان اجازه داده شود که دولت را از مارهایی که در نقاب وطن دوستان در ارگان های مختلف جا گرفته اند، تشخیص و در صورت ارتکاب اعمال ضد منافع ملی از دستگاه دولتی خارج و به جزای اعمال شان برساند.

۲ - سازمان های مخفی زیرزمینی را که به دستور اغیار فعالیت های ضد منافع ملی می نمایند، تشخیص و بعد از اثبات جرم با هر یک از آنها برخورد قاطع قانونی صورت گرفته و برای ملت افشاء گردند.

۳ - اداره جمهوری اصلاح متحده امریکا باید سیاست دو رویه خود را با آقای کرزی و جنرال مشرف کنار گذاشته و با دولت پاکستان در ارتباط مداخلات مستقیم و غیرمستقیمش در افغانستان جدی و قاطع برخورد و مانع از اجرای اعمال غیرانسانی و غیراسلامی شان در کشور ما شوند و همچنان با احترام گذاشتن به حقوق حقه ملت افغانستان به آقای کرزی اجازه داده شود که با تفنگسالاران، قانون شکنان و جنایتکاران شناخته شده برخورد قانونی نموده با برقراری عدالت، ملت را از شر شان نجات دهد.

۴ - امریکا و جهانیان باید بدانند که افغانستان در شرایط کنونی برای دیموکراسی قلابی که از بالا به پائین تطبیق می شود ضرورت ندارد بلکه ملت افغانستان به صورت عاجل به آزادی، استقلال، حاکمیت ملی و ارضی، نان، لباس، سرپناه، صحت، تعلیم و تربیه سالم، شفاخانه ها، معلمین ورزیده، حاکمیت قانون، عدالت، اداره سالم و با کفایت، سرکها و خطوط مواصلاتی، تقویه و انکشاف زراعت و مالداری، ساختمان مراکز تعلیمی، بند و انهار برای آبیاری و تولید برق، منع ذرع خشخاش و تولید چرس، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر و سنگهای قیمتی، استخراج مواد معدنی، منع قاچاق سلاح از خارج به داخل کشور و تشکیل قوای نظامی و امنیتی ملی مجهز و با کفایت ضرورت دارد. برای رسیدن به اهداف و نیازمندی های فوق تحت یک پلان منظم قصیرالمدت و طویل المدت با تثبیت اولیت ها برای متخصصین افغانی داخل و خارج کشور موقع داده شود که مشترکاً با مشوره متخصصین اورگان های مختلف سازمان ملل متحد و کشور های دوست از طریق کمک های تخنیکی بدون قید و شرط انجام و به تدریج با پیشرفت و انکشاف تعلیم و تربیه سالم، ایجاد وحدت ملی، برقراری حاکمیت قانون و عدالت در کشور و فعال شدن احزاب سیاسی با شعور طبل دیموکراسی واقعی در سراسر افغانستان عزیز با کمال اطمینان بلند و بلندتر نواخته شود.

آرزومندم که تذکر مطلب فوق چنین تعبیر نشود که من مخالف دیموکراسی در وطن عزیز خود میباشم، نخیر برعکس من از هواخواهان جدی دیموکراسی واقعی در افغانستان می باشم. هدف من این است که در شرایط کنونی که مار ها و گژدم های داخلی، دستان کثیف خارجی ها، بیسواد، فقر و بیچاره گی و نفوذ بدون سرحد بنیادگرایان افراطی و عقیگرا در سراسر کشور عزیز ما مسلط اند، خداناخواسته دوربینائی رسیدن به یک دیموکراسی واقعی را به سرنوشت دیموکراسی های زمان سردار شاه محمود خان صدراعظم و دهه دیموکراسی وقت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (بابای ملت) به ناکامی نکشانند.

۵ - برای حل موضوع خط دیورند با پاکستان که یکی از موضوعات مهم و جنجالی است، پیشنهاد میشود که باید امریکا بر پاکستان صادقانه و صمیمانه فشار وارد نماید که با دولت جمهوری افغانستان به میز مذاکره حاضر و موضوع را با در نظر داشت شرایط کنونی و منافع افغانستان، پاکستان و اقوام و قبایل پشتون و بلوچ حل نماید. برای رسیدن به این هدف چنین پیشنهاد میشود که:

الف: کمیسر عالی رتبه و با صلاحیتی که متشکل از جناب محترم صبغت الله مجددی رئیس مشرانو جرگه، جناب محترم سید احمد گیلانی، جناب محترم جنرال علی احمد جلالی وزیر اسبق داخله و جناب محترم داکتر رنگین دادفر اسپینتا وزیر خارجه و جناب محترم وزیر سرحدات افغانستان باشند. بعد از تائید ولسی جرگه با مشران اقوام و قبایل پشتون و بلوچ ماورای خط دیورند در داخل افغانستان و یا در یکی از مناطق مسؤون پشتونستان داخل مذاکره شده و با شرح و ارزیابی شرایط زمان امیر عبدالرحمن خان و تحولات بعدی که از آن زمان الی حال در افغانستان، پاکستان، منطقه و جهان رونما گردیده و نیازمندی عاجل برای حل قضیه، مذاکرات دوستانه صورت گرفته، بعد از رسیدن به توافق نظر به حل قضیه از طریق مذاکرات سیاسی از برادران پشتون و بلوچ خواهش به عمل آید که یکی یا دو نماینده با صلاحیت خود را تعیین و برای اشتراک در مذاکرات سیاسی بعدی معرفی نمایند.

ب: با تعیین نماینده و یا نمایندگان متذکره فوق کمیسون با صلاحیت که متشکل از وزیران خارجه افغانستان، پاکستان، امریکا، انگلستان و نمایندگان برادران پشتون و بلوچ باشند، مذاکرات سیاسی مستقیم تحت نظر نماینده خاص سازمان ملل متحد آغاز و راه حل قضیه جستجو شود.

ج: بعد از رسیدن به توافق همه جانبه کمیسیون فوق الذکر، موضوع بعد از تأیید رهبران کشور های ذیدخل به شورای امنیت ملل متحد ارجاع و فیصله نهائی که طرف قبول همه جوانب ذیدخل باشد، صادر و طبق آن عمل شود.

۶ - قوای نظامی امریکا که به نام ائتلاف است و اکثرآ خودسرانه و غیرمسئولانه عمل می نماید به اشغال خود خاتمه داده و با قوای ایساف (قوای ناتو) مدغم و مشترکآ الی تشکیل و تکمیل قوای مسلح و امنیت ملی با همکاری وزارت های دفاع و داخله افغانستان در امر قل و قم تروریست های خارجی و آشوبگران داخلی عمل و با متکی شدن افغانستان به قوای نظامی و امنیتی ملی مجهز و با کفایت خود و همچنان تضمین حاکمیت ملی و ارضی افغانستان و عدم تجاوزات خارجی خاصتاً کشور های همسایه، قوای خارجی به اساس درخواست رسمی دولت جمهوری افغانستان از سازمان ملل متحد و صدورنامه شورای امنیت ملل متحد همه قوای خارجی با عزت و حرمت تام طی مراسم خاص از افغانستان خارج شوند. و من الله توفیق - خداوند نگهدار و مددگار افغانستان و مردم غیور آن

انجنیر فضل احمد افغان

کانادا : ۲۹ جولایی ۲۰۰۶